

«علما» و حقوق زنان

روزنامه رسالت، ۱۸ فروردین در خبری نوشت: «شنیده شده است برخی علما و چهره های برجسته علمی و مذهبی حوزه های علمیه در نامه ها و تماس های مختلفی با عناصر موثر مجلس خواستار دقت نظر نمایندگان در برخورد با لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و پس گیری این لایحه از سوی دولت شده اند. در این کنوانسیون موارد متعددی از ضوابط شرعی در باره زنان نادیده گرفته شده است و هر کشوری که مفاد کلی این کنوانسیون را بپذیرد ناچار است همه مصوبات این کنوانسیون را در باره زنان کشور متبوع خود به اجرا بگذارد. یادآور می شود در مفاد کنوانسیون مذکور، موارد خلاف شرع و اخلاق فراوانی وجود دارد که انتشار آن باعث عکس العمل شدید مردم مسلمان خواهد شد.»

ضمیمه

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۳۱، دوره هشتم
سال هجدهم، ۲۰ فروردین ۱۳۸۱

مزیور در روزنامه ارتجاعی رسالت این نظر را در ذهن تداعی می کند که تلاشی گسترده در جریان است تا با پیوستن ایران به این کنوانسیون بین المللی گامی ارزنده در احقاق حقوق پایمال شده زنان برداشته خواهد شد. اما واقعیت آن است که دولتیان حاکم همانطور که قبلا هم در لافاه اعلام کرده بودند هدف از پیوستن به این کنوانسیون نوعی سرپوش گذاشتن بر فشارهای داخلی و خارجی بر زنان است و دولت جمهوری اسلامی با تعیین شرط و شروط نه تنها ملزم به رعایت مصوبات این ارگان بین المللی نیست بلکه با استفاده از همین ترفند که هدف آن کسب وجهه در انظار بین المللی است، قادر خواهد بود به بهانه «موارد شرعی» به پایمال کردن حقوق زنان ادامه دهد. اختلاف موجود در بین حکومتیان و «علمای» ارتجاعی ریشه در این بینش دارد که کوچکترین عقب نشینی حتی جزئی به نفع زنان موجب سرازیر شدن سیل دیگر خواسته ها خواهد بود. رژیم ولایت فقیه آگاه از بتانسیل بسیار بالای زنان که گسترش و رشد آن پیامدهای خطرناکی را نصیب رژیم کرده و می کند موجب گردیده بررغم فشارهای فزاینده در درون جامعه به هیچگونه عقب نشینی در این عرصه تن ندهد. روندها و بینش های منفی و ارتجاعی در مورد زنان در بین هر دو جناح حکومتی خود اثبات کننده این مدعا می باشد. هراس روزنامه رسالت و همفکرانش در حوزه های ارتجاع ناشی از همین مساله است. اختلاف نظر موجود بر سر پیوستن به این کنوانسیون نه بر سر احقاق حقوق زنان که درست برعکس، بسط، گسترش و ایجاد شیوه های جدید تحقیر برضد زنان میهنمان می باشد.

«قانون» در اسارت رژیم «ولایت فقیه»

نهادهای قدرت خود را پاسخگو نمی دانند و از زیر بار پاسخگویی شانه خالی می کنند.» (همانجا)

در خبر دیگری که در روزهای اخیر در رسانه های گروهی انتشار یافت، علی مزروعی، در پاسخ به برخورد شورای نگهبان با لایحه بودجه امسال از جمله گفت: «مجلس شورای اسلامی تنها نهاد قانونگذاری در کشور است، شورای نگهبان در مواردی در لایحه بودجه امسال با تفسیرهای خود مصوبات شورای عالی امنیت و جاهای دیگر را بر مصوبات مجلس حاکم کرده است. شورای نگهبان یا این کار شان و منزلت و اقتدار مجلس را کاملاً خدشه دار کرده است» و خلاصه اینکه شورای نگهبان «می خواهد مجلس اختیاری نداشته باشد.»

البته این تفسیر شورای نگهبان تنها مختص آنها نیست. برای روشن شدن تکلیف آقای مزروعی و این سراب که در رژیم ولایت فقیه» تنها مجلس شورای اسلامی نهاد قانون گذار کشور است توجه او را به سخنان سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، در حضور اعضای جدید مجمع تشخیص مصلحت جلب می کنیم که می گوید: «مجمع تشخیص مصلحت نظام باید در عین تصویب و تثبیت سیاست های کلی نظام همواره آمادگی تغییر این سیاست ها بر اساس برخی اقتضائات داخلی و خارجی را داشته باشد.»

بر این اساس روشن است که برخلاف

بحث «قانون» و «قانونیت»، و مهم تر از همه حقوق شهروندان در مقابل «قانون» و «قانون گذاران» همچنان از مباحث مهم بحث و درگیری های نظری در جامعه ماست. در روزهای اخیر مجموعه بی از گزارش ها و خبر های منتشر شده درباره حقوق نهادهای «انتصابی» در برابر نهادهای منتخب مردم بار دیگر مساله «قانون» به عنوان ابزاری نیرومند و موثر، در دست رژیم «ولایت فقیه» به قصد مهار زدن و سرکوب جنبش را، در معرض قضاوت افکار عمومی جامعه ما قرار داد. در گزارشی که روزنامه «نوروز»، سه شنبه ۳۰ فروردین ماه منتشر کرد از جمله آمده است که «صدا و سیما»ی ارتجاع که مستقیماً توسط ولی فقیه و اعوان و انصار او کنترل می شود از دادن اسناد مالی این نهاد به کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس خودداری کرده است. بر اساس این گزارش: «نماینده بهبهان و رئیس هیأت تحقیق و تفحص مجلس با اشاره به روند تصویب طرح تحقیق و تفحص از صدا و سیما گفت: حاشیه امن و مطمئنی که از نظر برخی افراد برای صدا و سیما فرض می شد باعث شده بود این سازمان آمادگی لازم را جهت تحقیق و تفحص نداشته باشد.»

علی مزروعی، نماینده مردم اصفهان، در توضیح این برخورد صدا و سیما از جمله گفت: «بحث تحقیق و تفحص هم در این چارچوب قابل فهم است که بعد از قوه قضائیه و عدم همکاری با مجلس حالا هم صدا و سیما و برخی

نامه سرگشاده اعضای «فدراسیون بین المللی اقدام مسیحیان برای لغو شکنجه» - بخش فرانسه (مشاور سازمان ملل و شورای اروپا) به خاتمی

به رهبر و رئیس جمهور اسلامی ایران
حضرت آیت الله خاتمی
رئیس جمهور اسلامی ایران

آقای رئیس جمهور
ما، اعضای ACAT - فرانسه، وابسته به فدراسیون بین المللی مبارزه مسیحیان برای نابودی شکنجه (و مشاور سازمان ملل متحد و شورای اروپا)، نگرانی خود را از موج بازجوییها و محاکمات عده ای از خبرنگاران، نویسندگان، هنرمندان و فعالین سیاسی ایران ابراز می کنیم.

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه نامه سرگشاده اعضای «فدراسیون بین المللی

ما از شما می خواهیم که از نفوذ خود جهت برپایی محاکماتی منطبق با حقوق مدنی و سیاسی زندانیان که ایران نیز از امضاء کنندگانش در سال ۱۹۷۵ بوده است، استفاده کنید.

از شما می خواهیم که محاکمه آقای حبیب الله پیمان و آقای تقی رحمانی که در حال حاضر پشت درهای بسته انجام می شود، علنی شود، که وکلای این متهمین امکان دسترسی به پرونده را قبل از آغاز محاکمات داشته باشند و اجازه ملاقات با ایشان داده شود. همچنین متهمین بتوانند امکان ملاقات با اعضای خانواده خود و پزشک مورد انتخاب خودشان را داشته باشند.»

اختیارات نا محدود نهادهای «انتصابی»

بنا به گزارش روزنامه «بنیان» ۱۸ فروردین، اعضای جدید «مجمع تشخیص مصلحت نظام» که همگی آنها به صورت انتصابی برگزیده می شوند دیداری با علی خامنه ای ولی فقیه رژیم داشتند. در این دیدار علی خامنه ای در ایفای نقش این نهاد ضد مردمی در روند تحولات آتی سخنانی ایراد کرد. وی در قسمتی از سخنان خویش ضمن اشاره به جامع بودن و کارآمدی قانون اساسی فعلی به نقش این مجمع اشاره کرد و گفت: «با لحاظ مجمع تشخیص مصلحت در قانون اساسی، نظام هیچگاه دچار خلاء و ین بست نمی شود.» وی در جایی دیگر اضافه کرد: «حضور مجموعه ای از فکر، اجتهاد، کارشناسی، تجربه، پابندی به اصول و شناخت مصلحت ها در مجمع تشخیص مصلحت نظام موجب کارایی بیش از پیش این مجمع خواهد شد.» خامنه ای پارا از این هم فراتر گذاشت و اظهار داشت: «مجمع تشخیص مصلحت نظام باید در عین تصویب و تثبیت سیاست های کلی نظام همواره آمادگی تغییر این سیاست ها بر اساس برخی اقتضائات داخلی و خارجی را داشته باشد.» روند آرامی که از چندی پیش برای بی اثر کردن نهادهای محدود انتخابی مردم همچون مجلس آغاز گردیده بود بتدریج نمودهای عینی خویش را به صورت های گوناگون نشان می دهد. رژیم ولایت فقیه که طی چندین سال گذشته، حتی در چارچوب های تنگ کنونی، به چنان معضلی گرفتار آمده است که، چاره را در بسط و گسترش نهادهای ارتجاعی و ضد مردمی همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام دیده که مفری موقتی برای فرار از بحران دامنگیر کنونی برای سردمداران می باشد. تاکید بر نقش ضد مردمی نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام و تمجید و ستایش از قانون اساسی فعلی در حالی بیان می شود که ما از بدو تشکیل مجلس ششم بدین سو، شاهد تشدید فشارهای فزاینده بر مجلس چه از طریق رد مصوبات این نهاد قانونگذاری و چه از طرق «قانونی» یعنی پرونده سازی برای وکلای که از خطوط قرمز پارا فراتر گذاشته اند، بوده ایم. در واقع رشد جنبش مردمی و بیداری روزافزون توده ها آنچنان وضعیتی را پدید آورده که چارچوب های کنترل شده فعلی هم جوابگوی نیازهای ضد مردمی رژیم ولایت فقیه نمی باشد. به همین دلیل چه از طریق تریبون های رسمی نماز جمعه و از زبان شناخته شده ترین عناصر حکومتی با «صغیر» خواندن مردم در انتخاب، همزمان اقدامات آهسته را برای مسخ کامل نهادهای محدود انتخابی موجود به کار بسته اند. تمامی این فشارهای مضاعف به جنبش مردمی از طریق نهاد رژیم ولایت فقیه که قدرت فوق العاده دارد، به جنبش مردمی تحمیل می شود.

ادامه «قانون» در اسارت رژیم «ولایت فقیه»

تصور آقای مزروعی و دوستان ایشان در رژیم ولایت فقیه حق «قانون» و «قانون گذاری» عمدتاً در اختیار نهادهایی قرار دارند که از سوی «ولی فقیه» رژیم انتصاب می گردند. به گمان ما این واقعیت در تطابق کامل با ساختار و چگونگی عملکرد رژیم استبدادی حاکم بر میهن ما قرار دارد. در این چنین ساختار نه تنها نمایندگان منتخب مردم، اختیار واقعی در زمینه تعیین سرنوشت کشور ندارند که حتی رئیس قوه مجریه کشور نیز از اختیارات محدودی در پیش برد برنامه های خود برخوردار است.

بحث هفته های اخیر در زمینه قانون و قانون گذاری و حقوق نهادهای مختلف بار دیگر بر این مسأله مهم تاکید می کند که در رژیم «ولایت فقیه» قانون آن هنگام عزیز و قابل اجراست که به عنوان ابزاری در راه حفظ رژیم ارتجاعی حاکم به کار گرفته شود. از قوه قضائیه که سران آن به دستور «ولی فقیه تعیین می گردند» تا شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمایندگان «ولی فقیه» در شهرهای گوناگون و ائمه جمعه که عملاً قدرت اجرایی در شهرهای مختلف را در اختیار خود گرفته اند همگی افراد و نهادهایی هستند که نه از سوی مردم میهن ما بلکه توسط بخشی از مجموعه هیأت حاکمه تاریک اندیشی که هدفش حفظ «نظام» کنونی به هر بهایی است، تعیین شده اند.

همان طوری که بارها به آن اشاره کرده ایم بحث تن دادن به «قانون» و «قانونیتی» که چارچوب و حدود اجرایی و اختیارات آن از سوی تاریک اندیشان حاکم تعیین می گردد، تنها ابزاری است در دست ارتجاع حاکم به قصد ضربه زدن به جنبش مردمی و زیر پا گذاشتن حقوق شهروندان. پس از گذشت نزدیک به پنج سال از دوم خرداد ۷۶ و تجربه های گوناگون مردم و جنبش از عملکرد «قانون» و نهادهای نظارت بر «قانون» تنها نکته مهم قطع امید از اصلاح طلبان حکومتی به تحقق «حاکمیت قانون» متکی بر «مردم سالاری» در رژیمی است که برایش حقوق مردم پیشیزی ارزش ندارد.

امروز یکی از معضلات جدی که مردم و جامعه با آن روبه رو هستند نهادهای عمیقاً ضد مردمی و ارتجاعی همچون شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان، نهادهای امنیتی زیر کنترل ولی فقیه، صدا و سیما و ده ها نهاد مافیایی اقتصادی همچون بنیاد های ۱۵ خرداد، بنیاد شهید است که به دست سران رژیم و به قصد حفظ و حراست از منافع طبقاتی و سیاسی مرتجعان حاکم ایجاد شده اند. درست بر اساس همین درک از ساختار قرون وسطایی حاکمیت در میهن ماست که حزب توده ایران تاکید دارد که با وجود ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به تحقق اصلاحات بنیادین، پایدار و دموکراتیک امیدوار بود. دست یابی به اصلاحات بنیادین نیازمند تغییرات بنیادین در ساختار حاکمیت کنونی و در درجه اول از بین رفتن نهادهایی همچون «نهاد ولی فقیه»، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان تحمیلی و دموکراتیزه کردن قوه قضائیه و از بین بردن نهادهای سرکوبگر و دیگر روابط و ضوابط رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه دارد. با ادامه این ساختار، ارتجاع حاکم از همه ابزارهای «قانونی» برای سرکوب خونین و خشن جنبش برخوردار است.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Supplement to Nameh Mardom-NO 631
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

9 April 2002

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse